



احساس می‌کنند، همان نگرانی‌ها را دارند و در بخش‌هایی هم که کاراکترها با ترس روبه‌رو می‌شدند آن ترس انتقال داده می‌شد و من هم این ترس را از مخاطبی که در کنارم نشسته بود دریافت می‌کردم. بنابراین بله، در جواب می‌توانم بگویم که این اتفاق افتاد و این احساس انتقال داده شد.

آیا طی پروسه تولید می‌خواستید به قواعد ژانر وحشت یا بئیند باشید یا اینکه خیلی به در قالب و ژانر بودن توجهی نداشتید؟

به هر حال این داستان به دلیل موضوعی که دارد و اتفاقاتی که برای این دو کاراکتر رخ می‌دهد ایجاب می‌کرد که این لحظات به همان اندازه که درون آدم‌ها می‌تواند ترسناک باشد در فضای فیلم هم ترسناک باشد و آن حس انتقال داده شود. از این لحاظ بله، ما بر این آگاه بودیم که در بخش‌هایی از فیلم از المان‌های ترس استفاده می‌شود و قطعاً ژانر ترس و وحشت قواعد خاص خودش را دارد اما شاید مهم‌ترین مساله‌ای که در ساخت فیلم‌های این ژانر می‌شود به آن اشاره کرد و چیزی که حداقل من یاد گرفته‌ام این است که فضا سازی یکی از مهم‌ترین قواعد این ژانر است و یک فیلم زمانی می‌تواند موفق عمل کند که بتواند فضای درستی از جهانی که نشان می‌دهد را ایجاد کند و بتواند بیننده

که با آن روبه‌رو نشوند همیشه باید آن را به دوش بکشند. در واقع هدف من از «آن شب» نشان دادن رویارویی با آن ترس‌ها بود که خودش را در فضای ژانر وحشت گنجانند. به هر حال خوشحالم که این اتفاق افتاده و من همیشه دوست داشتم که فضای فیلم‌های ژانر وحشت در سینمای ایران با توجه به داستان‌های خیلی خاص و بومی خودمان، باز تر شود و در واقع برای پرداختن به این تیپ داستان‌ها بتوان فضای را ایجاد کرد تا استقبال بیشتری برای این نوع فیلم‌ها و این ژانر داشته باشیم.

وقتی تجربه دیدن فیلم همراه مخاطب را داشتید، زمان تماشای فیلم مخاطب احساس ترس داشت؟

من این فرصت را داشتم که فیلم را هم در آمریکا و هم در ایران، در زمان‌های متفاوتی به همراه بیننده و مخاطب در سینما ببینم. با توجه به چیزی که من در فضای سینما احساس کردم، مخاطبین چه ایرانی و چه غیر ایرانی زمانی که به تماشای فیلم می‌نشینند، به شدت درگیر و همراه کاراکترهای داستان هستند و در تمام لحظاتی که این کاراکترها در داستان با اتفاقاتی روبه‌رو می‌شوند به نوعی بیننده خودش را همراه آن‌ها احساس می‌کند و تمام آن لحظات را تجربه می‌کند. در نتیجه حس می‌شد که مخاطبین لحظه لحظه را



من فرصت را داشتم که فیلم را هم در آمریکا و هم در ایران، در زمان‌های متفاوتی به همراه بیننده و مخاطب در سینما ببینم. با توجه به چیزی که من در فضای سینما احساس کردم، مخاطبین چه ایرانی و چه غیر ایرانی زمانی که به تماشای فیلم می‌نشینند، به شدت درگیر و همراه کاراکترهای داستان هستند

داستان‌هایی در ژانر وحشت برای من جذاب است که پیرامون یک فضای ناشناخته باشد و یا از لحاظ روانشناسانه بتواند ترسناک باشد و به درونیات آدم‌ها اشاره کند. از این بابت داستانی هم که ما به سراغش رفتیم یعنی «آن شب» به نوعی برگرفته از ترس‌های درونی خود آدم‌هاست. یعنی ما فیلم «آن شب» را با این هدف نساختیم که یک فیلم ترسناک ارائه دهیم؛ این کار فیلمی است که بیشتر پیرامون فضای روان‌شناختانه و مرزونه است و اینکه در آن المان‌های ترس وجود دارد، برگرفته از ترس‌های درونی کاراکترهای داستان است. ما همیشه با میلاد جرموز که یکی دیگر از نویسندگان فیلم است، این صحبت را داشتیم که چه اتفاقی می‌افتد اگر آدم‌ها بخواهند با ترس‌های درونی‌شان روبه‌رو شوند. ما این مساله را در این کاراکترها و به شکل اتفاقاتی که در هتل برای آن‌ها می‌افتد نشان دادیم که نهایتاً به حقیقت درونی خودشان برسند. اگر خلاصه بخواهم بگویم، هدف من این نبود که فیلمی در ژانر ترس بسازم، بیشتر هدفم این بود تا داستانی را بگویم که فکر می‌کنم خیلی از آدم‌ها، یعنی نه تنها جامعه ایرانی بلکه جامعه بین‌المللی با آن ارتباط برقرار می‌کنند. حقیقتی که همه آدم‌ها در درون خودشان دارند و رازهایی که پنهان می‌کنند همیشه به نوع ترسناکی به دنبالشان است و تاروی